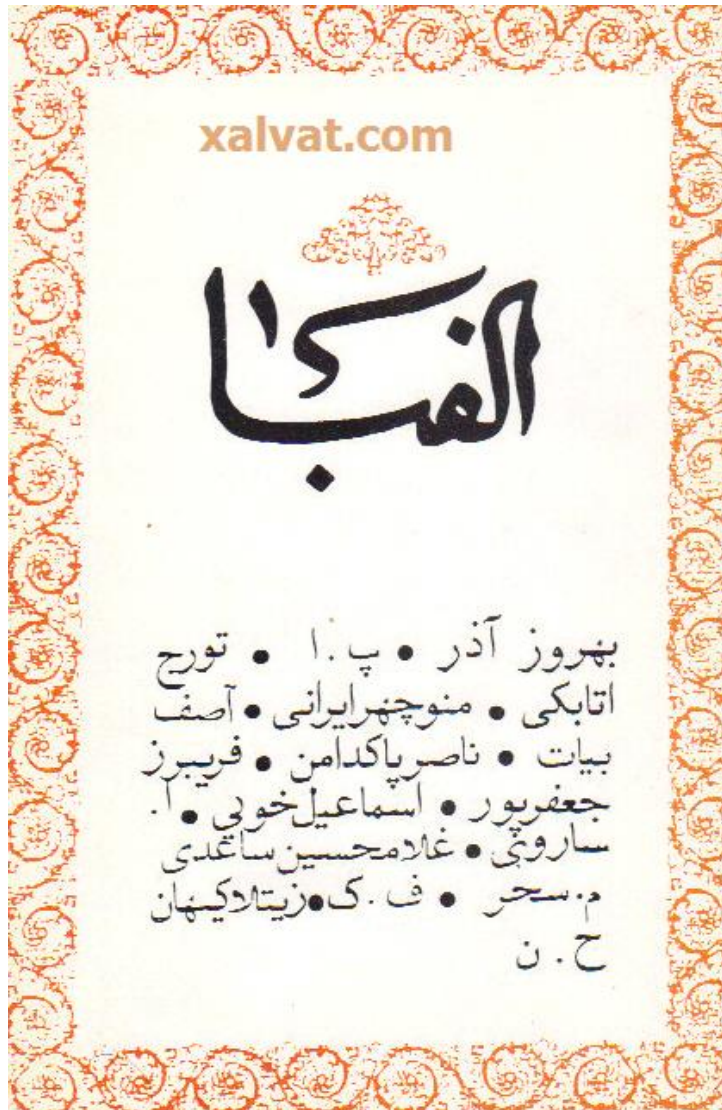


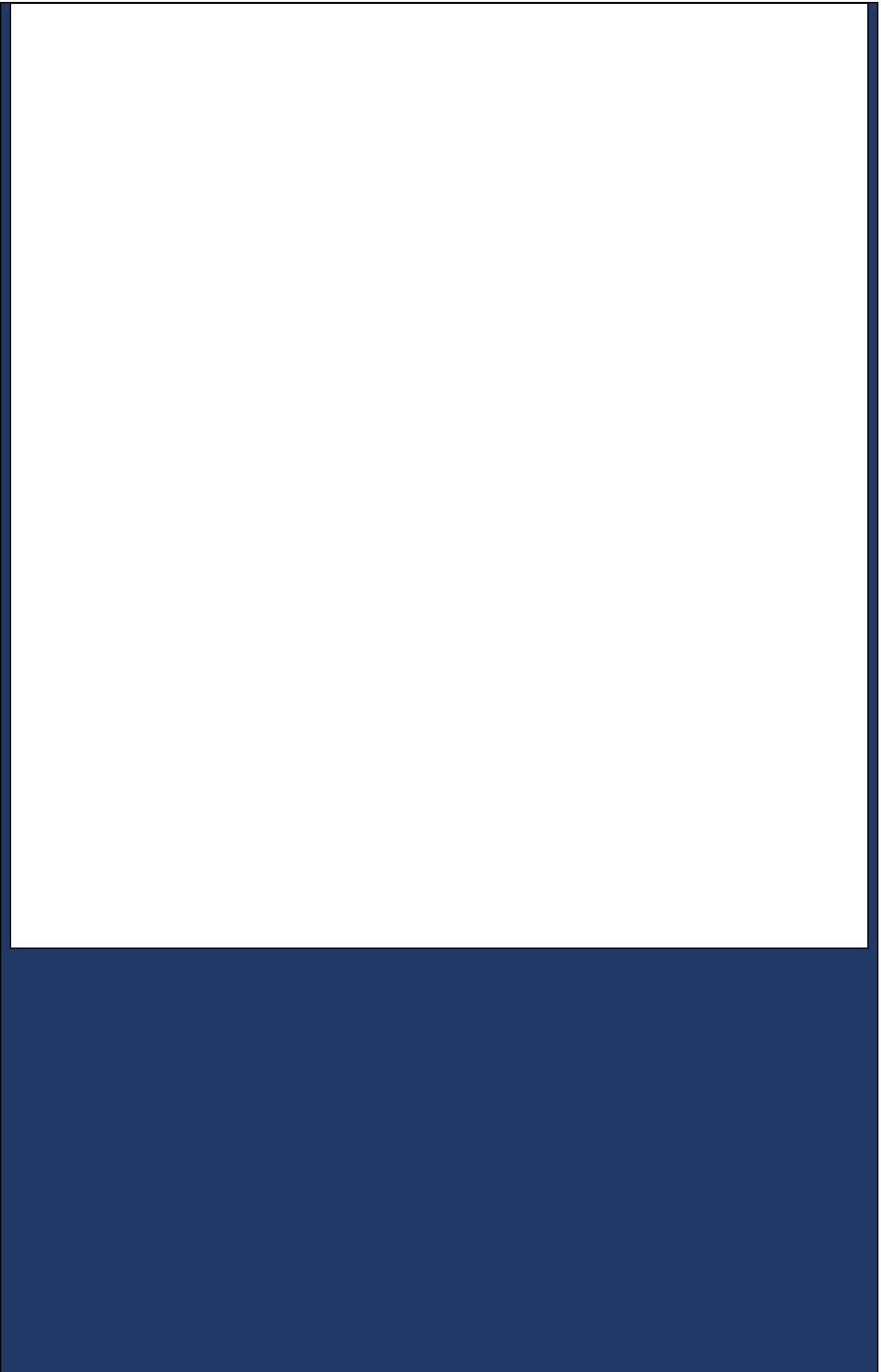


۷۳۶

تورج اتابکی : سندیکالیسم در جنبش کارگری ایران در فاصله سالهای ۲۵-۱۳۲۰



| | | |
|-----|--------------------|--|
| ۱ | غلامحسین ساعدی | تصویر جمهوری اسلامی در آینهء قصه‌ها |
| ۱۱ | آصف بیات | تجربهء شوراهاى کارگری در انقلاب ایران |
| | xalvat.com | سندیکالیزم در جنبش کارگری ایران در - |
| ۳۹ | تورج اتابکی | فاصلهء سالهاى ۵۰ - ۱۳۲۰ |
| ۶۰ | جیمز میل | پول واز خودبیگانگی |
| ۷۰ | انگلس | يك نامهء انگلس به مارکس |
| ۷۳ | منصور فرهنگ | بدرودها |
| ۷۴ | م. سحر | جنگل و تهر |
| ۷۵ | م. سحر | غزل آزادی |
| ۷۶ | اسماعیل خوبی | آموختن از مرگ |
| ۷۸ | ف. ك | اینجا و امروز |
| ۸۱ | بهروز آذر | فتح |
| ۹۵ | منوچهر ایرانی | مرغوا |
| ۱۰۰ | ناصر پاکدامن | مقایسه‌هایی از دو ترجمهء همزمان کلیله و دمنه |
| ۱۲۴ | ان. اس. رامامیرتام | خاك رس |
| ۱۳۰ | فریبرز جعفری‌پور | مشتري بيت المقدسى |
| ۱۳۱ | فریبرز جعفری‌پور | ماهیگیر با تقوا |
| ۱۳۲ | فریبرز جعفری‌پور | يك اتفاق كوچك |
| ۱۳۴ | زیتلا کیهان | سیمای مارگریت یورسنار |
| ۱۳۹ | ح. ن | نمون شناسی رسانش در تعزیه |
| ۱۵۲ | ا. ساروی | چماقهای زرد در دستهای سبز |
| ۱۶۴ | پ. ا | زیستن با احساس مرگ |
| ۱۷۴ | | يك نامهء دیگر از جلال |
| ۱۷۶ | | دو تذکر |



با آماری که در دست است، می‌توان جدول زیر را برای جمعیت کل کشور، و نیز توزیع جمعیت‌های شهری و روستایی در سال ۱۳۹۹، رسم کرد:

xalvat.com

جدول شماره "۱"

جمعیت کل و توزیع جمعیت‌های شهری و روستایی (به میلیون) (۱)

| سال | جمعیت کل | در صد | جمعیت شهری | در صد | جمعیت روستایی | در صد |
|------|----------|-------|------------|-------|---------------|-------|
| ۱۳۹۹ | ۱۱/۳۷ | ۱۰۰ | ۲/۳۹ | ۲۱ | ۸/۹۸ | ۷۹ |

این که دقیقاً چه درصدی از جمعیت شهری را در این زمان، کارگران تشکیل می‌دادند، مشخص نیست. آمار موجود تنها تعداد کارگران پاره‌ای از شهرها را نشان می‌دهد.

جدول شماره "۲"

جمعیت پاره‌ای از شهرها و تعداد در صد کارگران (به هزار) (۲)

| شهر | جمعیت کل | تعداد کارگران | در صد |
|-------|----------|---------------|-------|
| تهران | ۲۰۰ | ۵۰ | ۲۵ |
| تبریز | ۲۰۰ | ۳۰ | ۱۵ |
| رشت | ۲۰ | ۱۵ | ۳۷/۵ |
| انزلی | - | ۱۰ | - |

■ جایی دیگر در همین ماخذ، تعداد کارگران تهران ۲۰/۰۰۰ نفر آمده است.

در جدول بالا جای شماره کارگران پاره‌ای از شهرهای بزرگ از جمله: مشهد و اصفهان خالی است. در مورد شماره کارگران نواحی جنوبی کشور که عمدتاً در صنایع نفت اشتغال داشتند، رقمی که در دست هست، از ۲۳/۲۳۲ تن روایت می‌کند. (۳) یکی از رهبران جنبش کارگری ایران، در بررسی‌ای که از تاریخ این جنبش ارائه داده، مدعی است که تعداد کل کارگران کشور پیش از سلطنت رضاخان پهلوی (۱۳۰۴) رقمی در حدود ۳۰۰/۰۰۰ نفر بوده است. (۴)

در سال ۱۳۹۹، از پیوستن اتحادیه (۵) تازه تشکیل شده، نخستین تشکیلات

گسترده کارگری که نام "شورای اتحادیه‌های کارگری تهران" را بر خود نهاد بر پا شد. (۶)

اتحادیه‌های گردآمده در شورای اتحادیه‌های کارگری تهران از جمله عبارت بودند از:

اتحادیه خیابان با ۳۰۰۰ عضو، اتحادیه خیاطان با ۲۰۰۰ عضو، اتحادیه کفشان با

۱۸۰۰ عضو، اتحادیه شاگردمغازه‌ها با ۳۵۰ عضو، اتحادیه قنادها با ۳۰۰ عضو، اتحادیه

کارگران پست و تلگراف با ۲۷۰ عضو، اتحادیه کارکنان تجارت‌خانه‌ها با ۲۵۰ عضو،

اتحادیه کارگران چاپ‌خانه‌ها با ۱۸۰ عضو و اتحادیه کارگران زردوزی با ۱۵۰ عضو. (۷)

در هیات رهبری شورای اتحادیه ها، از هر اتحادیه ای ۳ نماینده حضور داشت. (۸) هم زمان با تهران، کارگران دیگر شهرها نیز به سازمان گزایی منفی - سیاسی رو آوردند. از جمله در آذربایجان، پیش روان حرکت کارگری میرا زمان خود نام "حزب کارگران" گذاشتند و در مراسم آمادگی: تنها کسانی می توانستند عضویت این حزب در آیند که از طریق استعمار کار دیگران زندگی نکنند" (۹). این شکل کارگری که ماهیت خالصا کارگری نداشت و بیشتر به یک حزب سیاسی شباهت داشت توانست ۳۰۰۰ تن، از ۳۰/۰۰۰ تن کارگران تبریز را در صفوف خود جای دهد (۱۰). از ۱۵/۰۰۰ تن کارگر رشت ۳۰۰۰ تن در اتحادیه های کارکنان چاپ خانه ها، کلاه دوزان و کفشان گرد آمدند. در انزلی "اتحادیه" کارگران ماهی گیر" توانست ۳۰۰۰ تن را متشکل کند. در همین زمان اتحادیه دیگری در انزلی با نام "اتحادیه" کارگران بندر" تشکیل شد که ۲۰۰ نفر عضو داشت (۱۱).

xalvat.com

حاصل پیوند حرکت کارگری تهران و دیگر شهرها، برپایی اتحادیه* مرکزی بود که بانام "شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای کارگران ایران" به سال ۱۳۰۰ ایجاد گردید و هدف خود را "رهبری جنبش سندیکایی در سطح کشور" اعلام کرد. همین شورای مرکزی یک سال بعد، یعنی به سال ۱۳۰۱ به عضویت "بین الملل سندیکاهای سرخ" (پروفرینترن) درآمد و محمد هگان به عنوان دبیر شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای کارگران ایران به عضویت تحریریه* ما هانه* پروفرینترن پذیرفته شد.

در نهم دی ماه ۱۳۰۰، نخستین شماره* روزنامه* "حقیقت"، ارگان شورای اتحادیه های کارگری تهران به مدیریت "سید محمد هگان" منتشر شد. "جعفر پیشه وری" که سالها بعد در مقام صدر "فرقه" دمکرات آذربایجان" خود نمایانید، در حیات "حقیقت" نقشی چشم گیر داشت (۱۲). شاید عضویت "پیشه وری" در حزب کمونیست ایران در آن سالها بوده، که پاره ای از پژوهشگران را بر آن داشته تا "حقیقت" را عملا، ارگان حزب کمونیست ایران "بخوانند" (۱۳). در این که پیوندی زنده بین "حقیقت" و حزب کمونیست ایران وجود داشته، جای تردید نیست. اما سندی در دست نداریم تا چنین پیوندی را به سطح "ارگان مرکزی" ارتقا دهد. "سلطان زاده" که از نظریه پردازان بزرگ حزب کمونیست ایران به شمار می آمد، در مقاله ای که درباره* مطبوعات ایران، نوشته، "حقیقت" را "مدافع منافع کارگران و دهقانان" دانسته و مدعی است که "روزنامه* حقیقت در دادن زدن به مبارزه* طبقاتی کوشا بوده و علیه طبقات حاکم مجدانه مبارزه می کرده است" (۱۴) هم، در همان مقاله، تیواژ "حقیقت" را رقمی بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ نسخه می داند رقمی که با ادعای یکی دیگر از رهبران جنبش کارگری ایران - درباره* تیواژ "حقیقت" - هم - خوانی دارد (۱۵).

به سال ۱۳۰۱، "حقیقت" پس از ۱۰۴ شماره انتشار از سوی دولت توقیف شد. بهانه دولت برای توقیف "حقیقت"، خروج از حدود نزاکت مطبوعاتی "اعلام شده گویا" "حقیقت" در مشاجره ای با روزنامه* "اتحاد" ارگان جناحی از دمکراتها، مرتکب شده بود. چندی پس از توقیف "حقیقت"، شورای اتحادیه های کارگری تهران، روزنامه* دیگری به نام "کار" در همان قطع "حقیقت" و در ۲ صفحه منتشر کرد.

به زودی شماره* کارگرانی که در چهار چوب شورای اتحادیه های کارگری تهران سازمان یافته بودند، روبرو فزونی گذاشت. به استناد آماري که از سال ۱۳۰۱ در دست است، در این

سال شماره ۱ اتحادیه‌های عضو شورای اتحادیه‌های کارگری تهران به ۱۵ اتحادیه رسید. از جمله اتحادیه‌های تازه پا گرفته می‌توان از "اتحادیه کارگران پارچه بافی" با ۲۰۰۰ عضو و "اتحادیه کارگران ساختمانی" با ۵۰۰ عضو نام برد. (۱۶) آموزگاران مدارس دولتی نیز با ۱۸۰۰ عضو، اتحادیه خود را برپا کردند. (۱۷)

به دنبال نخستین گامهایی که در راستای سازمان دهی سندیکایی کارگران برداشته شد، از سال ۱۳۰۳، جنبش اعتصابی به تدریج گسترش یافت. از مهم‌ترین اعتصاب‌های این دوره، اعتصاب هفت روزه کارگران پارچه بافی در مرداد ۱۳۰۳ برای افزایش دست مزد بود. در همین سال هنگامی که دولت وقت انتشار ۷ روزنامه را ممنوع اعلام کرد، تمامی کارگران چاپخانه‌ها دست از کار کشیدند. این اعتصاب سبب شد تا دولت پس از دو روز عقب نشینی کرده و رفع توقیف ۷ روزنامه را اعلام کند (۱۸).

در پی اعتصاب‌های یاد شده، حرکت گسترده‌ای از سوی دولت برای تحدید جنبش سندیکایی آغاز شد. نخستین گام در این حرکت اعلام ممنوعیت عضویت کارمندان دولت در اتحادیه‌ها بود. سپس در آستان انتخابات مجلس ششم در پاییز ۱۳۰۴، دولت، شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای کارگران ایران را رسماً منحل اعلام کرد و رهبران را تحت پیگرد قرار داد.

هر چند نخستین حمله گسترده به جنبش سندیکایی ایران، مانعی در هستی نگا ملی این جنبش به شمار می‌آمد. مانعی که در صورت نبودش، جنبش سندیکایی در ایران می‌توانست هستی و تجزیه پیوسته‌ای داشته باشد. اما هنوز تا سال ۱۳۱۰، یعنی تا محو کامل تمامی اشکال گونه‌گون سازمان دهی سندیکایی، که دست آوردی برای جنبش کارگری ایران به حساب می‌آمد، ۶ سال باقی بود.

شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای کارگران ایران بلافاصله پس از انحلال به کار مخفی روی آورد. نخستین گام برای متشکل کردن کارگران صنایع نفت نیز در همین زمان برداشته شد: شماری از کارکنان حزب کمونیست ایران که دوره‌های آموزشی "دانشگاه مسکو برای زحمت‌کشان شرق" (کوتو) را گذرانده بودند، با صلاح دید حزب برای سازمان دهی کارگران صنایع نفت جنوب ایران، راهی آن سازمان شدند. "رئیس آن سازمان" اینان را: "میرابوب شکبیا، علی شرقی، رحیم همداد و دیگران" معرفی می‌کند. از جمله "دیگران" با پداز "یوسف افتخاری" نام برد. او و نیز ما نند دیگر یارانش "کوتو" را گذرانده بود (۱۹). شاه بد جدا بی، سر نوشت: "افتخاری" از دیگر رهبران "حزب توده" ایران "باشد، که در متون حزبی، هیچ‌گاه از او به مثابه یکی از پیش‌گسوتان جنبش کارگری ایران نامی به میان نیامده است. ما در همین نوشته، وقتی به بررسی جنبش کارگری بعد از شهریور ۱۳۲۰ می‌پردازیم، دوباره سراغی از او خواهیم گرفت.

سازمان دهی دو ساله اینان در بین کارگران صنایع نفت، منجر به برپایی "جمعیت کارگران نفت جنوب" به سال ۱۳۲۶ شد. این جمعیت که "سازمانی نیمه مخفی" بود (۲۰) در پاییز ۱۳۰۶، به دنبال کنفرانسی که با شرکت ۲۰۰ نماینده برپا کرد، "صورتی از مطالبات خود را به دولت عرضه داشت، در این صورت، در کنار خواسته‌های صرفاً اقتصادی، آزادی تشکل و اقدامات آموزشی و اجتماعی نیز به چشم می‌خورد" (۲۱) از دیگر قرائن کنفرانس، "تشکیل جمعیت تعاونی مبارزه علیه جرمه" بود. (۲۲) در اوائل بهمن ۱۳۰۷، دومین کنفرانس جمعیت کارگران نفت جنوب برپا شد. تعداد

اعضای جمعیت را در این زمان ۳۰۰۰ تن روایت کرده‌اند (۲۳).

دومین کنفرانس نیز، مزید برپا فشاری برخواست‌های پیشین خود، کمیابی نفت را تهدید کرد که در صورت عدم تمکین به مطالبات جمعیت، به اکتسابی گسترده، در اول ماه مه ۱۳۰۸ دست زد. کمیابی نفت نیز برای عقیم گذاشتن تهدید جمعیت در شب ۹ اردی بهشت ۱۳۰۸، تن از فعالین و اعضای جمعیت را بازداشت کرد (۲۴). اما با زداشتن رهبران جمعیت نتوانست جلوی اعتصاب را بگیرد. در ۱۴ اردی بهشت ۱۳۰۸ ۹/۰۰۰ تن از کارگران دست از کار کشیدند. خواهشهای کارگران اعتصابی، علاوه بر آزادی یاران نشان، عبارت بود از: افزایش دست مزد، داشتن نماز بنده‌ای در کارگزاری کمیابی نفت تا ظربراستخدام و اخراج کارگران، حق مرخصی با حقوق، ۶ ساعت کار روزانه، ارائه خانه یا اجاره‌ای در خورا زسوی شرکت، بیمه بازنشستگی استخدام صنعتگران ایرانی به همان سیاق استخدام‌مندی‌ها، بررسی شکایات ازسوی مقامات پلیس ایران، طرح اختلافات بین اروپا شیان و ایرانیان با کمیابی و ایرانیان در دادگاه‌های ایران، برابری شرایط استخدام برای کارمندان ایرانی و هندی، پایا ن برنامۀ تخریب محلات مسکونی در آبادان و دیگر جاها (۲۵).

پاسخی که کمیابی نفت به این اعتصاب داد، سخت بود. اعتصاب با بازداشت، و سپس اخراج ۳۰۰ تن از کارگران درهم شکسته شد (۲۶). تنی چند از رهبران اعتصاب از جمله یوسف افتخای، رحیم همداد، علی زاده، و علی امید که بعدها، بعضی در دومین دوره هستی جنبش سندیکایی ایران نقش فعالی به عهده گرفت - برای سالها، یعنی تا پایان عصر رضا خان پهلوی روانه زندان شدند.

از دیگر اکتساب‌های چشم‌گیر این دوره، اعتصاب موفق ۵۰۰ کارگر "کارخانه نساجی وطن اصفهان" بود که به تاریخ اردی بهشت ۱۳۱۰ واقع شد. در رهبری این اعتصاب حزب کمونیست ایران از طریق یکی از کارمندان، به نام "نمرا لله اصلانی"، دخالت داشت (۲۷). خواست‌های اعتصاب‌کنندگان که افزایش ۴٪ دست مزد و تقلیل ساعات کار از ۱۲ ساعت به ۹ ساعت در روز بود، بلافاصله ازسوی دولت پذیرفته شد.

اعتصاب کارگران اصفهان، آخرین نشانه از حرکت کارگری است که پیش از تشییع حکومت پهلوی اول به چشم می‌خورد. در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۱۰ قانونی به تصویب مجلس هشتم رسید که بعدها به "قانون سیاه" شهرت یافت. دولت به استناد این قانون هر گونه سازماندهی سندیکایی را ممنوع اعلام کرد و نتوانست با اعمال خشونت بی حد، برای ده سال در پیوستگی تجربه سندیکالیسم ایران شکاف بیاندازد.

دومین تجربه در زمینه سازماندهی سندیکایی در ایران در پی جنبش گسستگی تاریخی ای بود که شکل گرفت. اما چنانچه نیز در طول این ده سال دیگر گونگی‌های چشم‌گیری را تجربه کرد. فرآیند صنعتی شدن ایران در فاصله سالهای ۲۰-۱۳۱۰، یعنی دوران نسبیست حکومت رضا خان پهلوی از آن بسبب ۱۰۰ این فرآیند با شروع دارمجلس هشتم آغاز گردید. رضا خان پهلوی در جریان افتتاح این مجلس در ۲۳ آذر ۱۳۰۹ آرزو کرد این مجلس در تاریخ ایران "مجلس اقتصادی" نام گیرد. هر چند تحولی که او و یاران نظریه پردازش همچون داور، تیمورتاش و احمد متین‌دفتری در نظر داشتند، در پاره‌ای از زمینه‌ها با ناکامی روبه‌رو شد اما از دیدگاه دخالت مستقیم دولت در دیگر گونگی ساختار اقتصادی ایران دوره رضاخانی نمونه چشم‌گیری در بین کشورهای خاورمیانه است.

بودجه‌های هزینه شده وزارت خانه ها (بهمیلیون ریال) (۲۸)

| | | |
|---------------|------|-------|
| وزارت خانه | ۱۳۱۰ | ۱۳۱۹ |
| صنایع و معادن | - | ۹۶۶ |
| تجارت | - | ۱۰ |
| راه | ۱ | ۱/۰۹۲ |
| پست و تلگراف | ۱۹ | ۹۰ |
| مالیه | ۷۷ | ۲۶۶ |
| کشاورزی | ۱ | ۱۲۲ |

پی آمدچنین تحولی در بودجه‌های هزینه شده، دگرگونی بودکدر توزیع جمعیت شهری - روستایی به وجود آمد: از ۱۴/۵۵ میلیون جمعیت ایران در سال ۱۳۱۹، ۳/۲۰ میلیون راجمعیت شهری تشکیل میداد، یعنی ۲۲٪ در قیاس با ۲۱٪ کیه سال ۱۳۹۹ بود (۲۹).

آ ماری که از جمعیت کشور و توزیع آن بر بنیاد گونه گونی مشاغل برای سال ۱۳۱۶-۱۷ داریم، خود مویدر شدت تابان صنعتی شدن و فرایند شهرنشینی در مقطع ۲۰-۱۳۱۰ است. بر اساس این آمار شماره صنعت گران ماشین و غیره در این سالها به ۸۶۸/۳۸۱ تن، دارندگان مشاغل آزاد به ۱/۰۳۱/۳۳۸ اتن و مستخدمین دولت به ۵۴۹/۷۰۶ رسیده بود (۳۰).

بهر روشماره، کارگران در آغاز و پایان دوران تثبیت حکومت رضاخان پهلوی هر چه باشد، گام هایی که برای سازمان دهی سندیکایی کارگران در پایان و آغاز دو جنگ جهانی در پهنه ایران برداشته شد، از ویژگیهای کاملاً متفاوتی برخوردار بود. پایان جنگ اول جهانی سر - آغاز نخستین گام های بلندی بود که جنبش کارگری ایران در راستای سازمان دهی سندیکا پی برداشت.

از جمله موه لفه هایی که برای نخستین تجربه سازمان دهی سندیکایی حاکم بود، ضعف کمی طبقه کارگرو نبود شناختی مکفی از ویژگیهای کارکرد سیاسی و صنفی جنبش کارگری ز سوی رهبران این جنبش و در نتیجه "سیاسی کردن افراطی اتحادیه ها و تبدیل آنها، به سازمان های صرفاً "سیاسی" (۳۱) و نیز پی گرد و سرکوب گسترده از سوی دولت مرکزی را میتوان نام برد.

با اشغال ایران در شهریور ماه ۱۳۲۰ توسط نیروهای متفقین و سقوط رژیم کاه از دید گاه محافظه کارترین ناظران، رهبرش "در سالهای آخر حکومت به هیات مستبدی بیرحم، آزمند و خودکامه" (۳۲) در آمد مده بود، دورانی نوین در هستی جنبش کارگری ایران آغاز شد.

بلافاصله پس از اشغال ایران توسط نیروهای شوروی و بریتانیا در سوم شهریور ۱۳۲۰، پایه‌ها و بنیان‌های حکومت ۲۰ ساله، رضاخان پهلوی به یک باره فروریخت و فضای باز سیاسی که خود حاصل بلافاصله چنین تحولی بود، از پس بیش از ده سال دوباره خودنمایانند. دولت فروغی که به دنبال استعفاء رضاخان پهلوی، نقش ضامن برای استحاله، حکومتی خودکامه برزیمی پای بند قانون اساسی را بر عهده داشت، در بیست و هشت شهریور ۱۳۲۰ لایحه‌ای را مبنی بر امر بخشودگی یک چهارم محکومیت زندانیان سیاسی، از تصویب گذراند. هم او، در یک گام دیگر توانست پیش نهاد دولت مبنی بر عفو عمومی زندانیان سیاسی را در تاریخ بیست و چهار مهر همان سال از تصویب مجلس بگذراند. بخش بزرگی از این زندانیان رانخستین فعالین جنبش کارگری، کادرهای با سابقه، حزب کمونیست ایران و نیز اعضای گروهی تشکیل میداد که به نام ۵۳ نفر شناخته میشد.

۵۳ نفر، کسانی بودند که هر یک به نوعی با جریان مارکسیستی که در حوال انتشار نشریه، علمی موسوم به "دنیا" شکل گرفته بود، پیوند داشتند. نشریه، دنیا که با نام بنیان گذاران "دکتر ترقی ارانی" پیوند داشت توانست در فاصله سه سال (۱۶- ۱۳۱۳) در پوشش‌های گوناگون به امر نشر اندیشه‌های سوسیالیستی در میان لایه‌های از تحصیل کردگان شهری دست زند. تلاش این جریان، در سال ۱۳۱۶ و بازداشت گروه ناهم گون "۵۳ نفر" آخرین ضربه‌ای بود که حکومت خودکامه وقت بر حرکت سوسیالیستی ایران وارد ساخت. برخورد "۵۳ نفر" با نخستین فعالین جنبش کارگری و کادرهای حزب کمونیست ایران، در زندان، و مجادله‌ها و جناح بندی‌هایی که پیرامون حرکت سوسیالیستی در عرصه جهان و در مقیاس ملی پیش آمد، چنان بود که مهر خود را بر پیشانی این درمین تجربه سازمان‌گرایی جنبش کارگری ایران، که از سال ۱۳۲۰ آغاز شد، نیز کوبید.

با آزادی نخستین گروه از زندانیان سیاسی ۲۶ نفر از گروه ۵۳ نفر با همگامی نسبی چند اذعاناً باقی مانده، حزب کمونیست ایران و نیز چهره برجسته‌ای از سوسیال دموکراسی ایران، مانند سلیمان میرزا اسکندری، تشکیل "حزب توده ایران" را در هفت مهرماه سال ۱۳۲۰ اعلام کردند. جعفر پیشه‌وری از کادرهای برجسته حزب کمونیست ایران و کمیسر داخلی "جمهوری گیلان" که از سال ۱۳۰۹ در زندان به سر میبرد و در آنجا رهبری جناحی از زندانیان کمونیست را بر عهده خود داشت، هر چند در جلسه موسسان حزب توده شرکت کرد (۲۳) اما هیچ گاه به حزب توده نپیوست او بعدها در تهران روزنامه‌های به نام آژیر منتشر کرد و در سال ۱۳۱۴ "فرقه دمکرات آذربایجان" را تشکیل داد.

از دیگر کسانی که راه خویش را در آغاز از موسسین حزب توده جدا کردند، باید از سه تن کادرهای حرفه‌ای جنبش سندیکایی دوره نخست نام برد. یوسف افتخاری، علی امید، و رحیم همدا. یوسف افتخاری و یارانش هم آن گونه که در بخش اول آوردیم به سبب سازمان دهی اعتماد کارگران نفت جنوب در ۱۳۰۸. به زندان افتاده بودند. رهبری جناحی از زندانیان چپ را بر این جناح او انسیان و پیشه‌وری بردوش داشتند. یوسف افتخاری در قبال "محاکمات مسکو" که خبرش از حصار زندان تهران نیز گذشته بود و به میان زندانیان کمونیست نیز رسیده بود، چنان موضعی بر آن گزید که از سوی او انسیان لقب "تروتسکیست - زینویفیسست" گرفت. او انسیان طرف داری قید و شرط استالین، و افتخاری مخالف سرسخت استالین بود و او را "متهم به برقراری دیکتاتوری فردی در شوروی میکرد" (۳۲) اما موضع افتخاری در قبال محاکمات مسکو و استالینیزم هر چه که بوده باشد، سندی در دست نداریم تا از پیوند او و یارانش، با جنبش تروتسکی سخن برانند.

بهررو، در آستان دومین تجربه، جنبش سازمان‌گرایی کارگری ایران، با چنین شما بی از گروه‌بندی سیاسی بازندانیمان آزاد شده، کادرهای حرفه‌ای جنبش سندیکایی و فعالین حرکت کمونیستی روبرو می‌باشیم.

بازگشت این زندانیان و دیگر سازمان دهان کارگری، که از پیگرد حکومت رضاخانی جان بدر برده بودند به واحدهای کار بلافاصله خود را در شکل‌گیری جنبش اعتراضی کارگری نشان داد. نخستین حرکات اعتراضی در معادن زغال سنگ حومه، تهران و برخی از واحدهای نساجی در شمال کشور از جمله نساجی چالوس شکل گرفت. در شمال کبسه‌سبب حضور نیروهای شوروی، سازمان دهان جنبش کارگری از آزادی عمل بیشتری برخوردار بودند، حرکت اعتصابی تا حدی اشغال کارخانه‌ها پیش رفت.

از همان آغاز دوگرایش در قلم روسا زمان دهی سندیکایی جنبش کارگری مطرح شد: یوسف افتخاری به همراهی علی امید، رحیم همداد و خلیل انقلاب آذر که از پنجاه و سه نفر بود، سازمانی با نام "اتحادیه کارگران ایران" برپا کردند. در کنار این اتحادیه، روزنامه‌ای نیز منتشر میشد، با نام "گیتی" که سنفر از پنجاه و سه نفر "حکمی"، "منو" و "جهان شاهلو" نیز در شماره‌های نخستینش با آن هم‌کاری میکردند. (۳۵) اتحادیه کارگران ایران بیشترین تلاش را برای حفظ سرشت کارگری خود و مرزبندی با سازمان‌ها و احزاب سیاسی از جمله حزب توده، ایران به کار می‌برد (۳۶).

از سوی دیگر حزب توده نیز پس از تشکیل، هم‌گام با تلاش برای جلب کارگران به صفوف خود در صدد ایجاد اتحادیه‌های کارگری برآمد. این تلاش در اسفند ۱۳۲۰ منجر به بوجود آمدن شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری ایران گردید. یک سال بعد، با شرکت نمایندگان ۲۶ اتحادیه کارگران صنعتی، پیشه‌وران و کارمندان نخستین کنفرانس شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری ایران در تهران تشکیل شد. از جمله اتحادیه‌های شرکت‌کننده در کنفرانس عبارت بودند از اتحادیه‌های کارگران رستوران‌ها، کارگران سینماها، رفتگران شهرداری، کارگران کارگاه‌های خیاطی و نجاری، پنبه‌دوزها، سنگ‌برها، شاگردانواها، کارمندان وزارت دادگستری کارگران معدنیان، کارگران راه‌آهن، مکانیک‌های راه‌آهن، کارگران نساجی، کارگران گلیسیرین‌سازی، کارگران کبریت‌سازی، کارگران نوشابه‌سازی، کارگران ساختمان و کارگران سیمان - سازی. از دیدگاه‌ها ستگاه جغرافیایی این اتحادیه‌ها عمدتاً "از مناطق شمالی کشور، تهران و شمال خراسان و شهرهای حوزه دریای خزر می‌آمدند (۳۷).

نخستین کنفرانس شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری ایران پیش از هر چیز به سازمان دهی تشکیلاتی خود پرداخت و شورایی مرکب از چهارده نفر را به رهبری انتخاب کرد. این چهارده نفر همگی از رهبران و کادرهای بالای حزب توده، ایران بودند: "رضاروستا" که برای سال‌ها، رهبری این اتحادیه را بر عهده گرفت، از اعضای حزب کمونیست ایران بود. او که برای دو سال در "دانشگاه مسکو برای زحمت‌کشان شرق" آموزش دیده بود، به سال ۱۳۰۷ برای سازمان دادن سندیکایی کارگران تهران و اصفهان به ایران بازگشت. او مادر سال ۱۳۱۰ دستگیر شد و برای ده سال یعنی تا ۱۳۲۰ در زندان به سربرد. او در جریان نخستین کنفرانس حزب توده که نام کنفرانس ایالتی تهران را داشت و در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۲۱ برپا شد، به عضویت کمیته مرکزی موقت حزب درآمد. آرداشس آوانسیان با پیشینه‌ای طولانی در سازمان دهی جنبش چپ ایران دارو - سازی بود که نخست به حزب کمونیست ایران پیوست، سپس در جنبش جنگل و حرکت منتهی به تشکیل جمهوری شوروی گیلان، فعلاً نه شرکت کرد. پس از شکست جمهوری به شوروی گریخت

و برای دو سال در دانشگاه مسکو "برای زحمت گشان شرق" آموزش دید. او در مقام مسئول سازمان جوانان حزب کمونیست به ایران بازگشت و تا ۱۳۰۹ یعنی زمان دستگیری اش به باز ساختن شبکه‌های حزب پرداخت (۳۸). آوانسیان نیز در جریان نخستین کنفرانس حزب توده به عضویت کمیته مرکزی حزب درآمد.

او کمدرقیاس با دیگر رهبران حزب توده از دانش سیاسی ناپدمثولوژیک با لایبی برخوردار بود، عملاً "نقش مسئول ایده‌ثولوژیک شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری را بر عهده داشت. از دیگر رهبران پیشمدار اتحادیه‌علی کباری بود. او با پیشینه، کارمندی در پست و تلگراف سال ۱۳۰۱ به عضویت حزب کمونیست درآمد. برای مدتی در انجمن فرهنگی به نام جمعیت فرهنگ رشت کمنقش پوشش برای فعالیت‌های حزب کمونیست را داشت کار کرد، سپس از سوی حزب، مسئول تشکیل اتحادیه‌های کارگری دخیانیات و کارگران کارخانه‌های برنج پالک کنی گردید. پس از بورش دولت به سازمان‌های صنفی و سیاسی کارگری، کباری نیز برای مدتی توقیف شد. (۳۹) او پس از تشکیل حزب توده به آن پیوست و در جریان کنفرانس حزبی به عضویت کمیته موقت مرکزی حزب برگزیده شد. او دیگر رهبران محمدباقر فرجامی و انور خامه‌ای از گروه ۵۳ نفر، که هر دو تحصیلات متوسطه داشتند و در طیف روشن فکریان حزبی جای می‌گرفتند، بودند. حسین جودت استاد فیزیک دانشگاه تهران که از سال ۱۳۱۷ پس از اتمام تحصیلاتش در فرانسه و بازگشت به ایران به تدریس اشتغال داشت، بلافاصله پس از تشکیل حزب توده به آن پیوست و به دنبال نخستین کنفرانس حزبی به عضویت کمیته مرکزی حزب درآمد. محمدحکیمی و غلام‌علی بابازاده که از کارگران راه‌آهن بودند و هر دو بعداً به عضویت کمیته مرکزی حزب توده، ایران درآمدند. محمدحکیمی در سال ۱۳۱۶ به خاطر تلاش برای سازمان دهی کارگران راه‌آهن شمال به زندان افتاده بود و غلام‌علی بابازاده نیز در نخستین تجربه جنبش کارگری ایران، سابقه داشت (۴۰). ابراهیم محضری نیز در نخستین سازمان دهی سندیکایی کارگری شرکت داشت و بارها به زندان افتاده بود. او نیز در نخستین کنفرانس حزبی، به عضویت کمیته مرکزی موقت حزب درآمد. حسین جهانی نجار بود و نخستین تجربه سندیکایی اش را با پیوستن به اتحادیه نجارها در دوره نخست حرکت کارگری به دست آورده بود. علی اکبر شاندرمنی خیاط و از گروه پنج‌ه‌و سمنفر، هر دو اینان بعداً در رهبری حزب توده قرار گرفتند. مهدی کی مرام از اتحادیه کفاشان در نخستین دوره حرکت کارگری، رضا ابراهیم زاده کارگر راه‌آهن با پیشینه سازمان دهی سندیکایی کارگران راه‌آهن در پایان نخستین تجربه جنبش کارگری ۱۰-۱۳۰۹ و زندان بود. قازار سیمونیان از طیف روشن فکریان حزبی با سابقه سازمان دهی کارمندان، او به واسطه فعالیت‌هایش در زمان حکومت رضاخان پهلوی بارها به زندان افتاده بود. (۴۱).

بنابراین از ۱۴ نفر عضو شورای رهبری منتخب، نخستین کنفرانس متعلق به شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری ایران ۴ نفر در همان حال، عضو کمیته مرکزی حزب توده، ایران بودند، و ۴ تن دیگر در طول دوره‌ای کوتاه در رهبری حزب قرار گرفتند و تماماً می‌شان در آستانه نخستین کنفرانس از کادرهای فعال حزب به شمار می‌آمدند. ده تن از اینان سابقه زندان داشتند. ۳ تن از کادرهای حزب کمونیست ایران بودند، سه تن از گروه ۵۳ نفرو ۹ نفر از سازمان دهان جنبش سندیکایی کارگری ایران. هفت نفر از اینان پیشینه کارگری داشتند و هفت تن دیگر از روشن‌فکرانی بودند که دل سپردگی‌شان به جنبش کارگری از آنان سازمان ده سندیکایی ساخته بود.

نخستین کنفرانس شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری ایران همگام با سازمان‌دهی تشکیلات به بحث پیرامون مسائل و مشکلاتی که جنبش سندیکایی با آن درگیر بودند نشست. از مهم‌ترین

مسائل این بحث تضادی بود که بین سازمان دهی کارگران در زمان جنگ، کمک به جنبش اعتصاب کننده، کارگری و همکاری بانبروهای متفقین وجود داشت. در سوم از کارخانه‌های کشور به اشکال مختلف برای متفقین کار میکردند (۴۲) و هرگونه سازمان دهی حرکت های مطالباتی کارگران، عملاً "کارشکنی در عملیات جنگی متفقین به حساب می‌آمد". این امر به ویژه در صنایع نفت و راه آهن سراسری که نقش اساسی در حمایت از پشت جبهه، شوروی داشت، به چشم می‌خورد. این مشکل نه تنها برای شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری ایران، که برای اتحادیه کارگران ایران نیز مطرح بود، اما به دلیل تعیین سیاسی - حزبی که اتحادیه، نخست داشت، مسأله برای آن در بعد گسترده تری مطرح میشد. مسأله، با لا اولین حلقه از سلسله مسائلی بود که تمهید آرمانی و سیاسی رهبران حزب توده یا به بیانی عدم موفقیت هم‌آره، تطبیق مبارزه، طبقاتی در مباحث ملی با جانب داری های جهانی برای حزب توده، ایران آفرید. در طول نخستین درازده سال حیات حزب توده ۲۳ - ۱۳۲۰ چه بسیار از این مسائل میتوان سراغ گرفت.

اتحادیه، کارگران ایران در سازمان دهی کارگران و به حرکت درآوردن جنبشهای مطالباتی خود را گشاده دست ترمی یافت.

بلافاصله پس از برپایی، آذربایجان، تهران و خوزستان به مناسبت سه قلمرو جغرافیایی در برابر اتحادیه، کارگران ایران قرار گرفت. علی امید که از سازمان دهان اعتصاب گسترده، سال ۱۳۰۸ کارگران نفت بود دوباره راهی جنوب شده و در آنجا شاخه، آبادان و اهواز اتحادیه را به وجود آورد. در برابر نگرانیهای فرماندار آبادان از شکل گیری حرکت کارگری در صنایع نفت علی امید خود را مکلف مییافت تا در برابر فرمانداری آبادان بیپای بر همکاری با متفقین تاکید کند (۴۳). از سوی دیگر "خلیل انقلاب آذر" که از سوی دفتر مرکزی اتحادیه، کارگران ایران، برای سازمان دادن شاخه، آذربایجان اتحادیه به آنجا رفته بود، دردی ماه ۱۳۲۰ به سبب "تحریک کارگران" و بعد درخواست مقامات شوروی از آنجا رانده شد (۴۴). روزنامه "ترود" ارگان اتحادیه کارگران شوروی یوسف افتخاری را "پرووکاتور و چپ نما میخواند که عملاً با تحریک کارگران، به کارشکنی در حمایت نظامی از شوروی مبادرت ورزیده است" (۴۵). همین روزنامه اعتصاب کارگران راه آهن در ۱۳۲۲ که از سوی این اتحادیه رهبری شده بود را "گناهی نابخشودنی" برای یوسف افتخاری خواند (۴۶).

با گذشت زمان و پیشروی نیروهای متفقین و پیروزی بیپای که در جبهه، شرقی نصیب اینها شد حزب توده، ایران و شورای مرکزی اتحادیه‌های ایران نیز نقشی روشن تر در حیات سیاسی کشور بر عهده گرفتند. به زعم وزارت خارجه انگلیس "حزب توده، ایران که در آغاز حزبی دمکراتیک به نظر می‌آمد و از حمایت شوروی و بریتانیا برخوردار بود" و مقامات بریتانیایی به شکل های گوناگون از آن پشتیبانی میکردند، پس از نبرد استالین گراد دردی ماه ۱۳۲۲ به شکل فزاینده‌ی تبدیل به حزبی هوادار روسیه شد" (۴۷). رهبری شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری ایران در - مانده در برابر مطالبات اقتصادی کارگران که ناشی از افزایش خیره کننده، هزینه، زندگی بود و فشار توده‌های متشکل در اتحادیه‌ها برای برپایی اعتصاب و این که هرگونه کوتاهی در پاسخ - گویی به خواسته‌های کارگران منجر به جلب آنها به دیگر اتحادیه‌های فراگیر، یعنی اتحادیه، کارگران ایران گردد و از سوی دیگر تعهدات آینده شولوزیک - سیاسی خود در قبال شوروی، سرآخر بر آن شد تا جزو واحدهایی که به طور مستقیم درگیر تولید و ارائه، خدمات به نیروهای متفقین اند، در دیگر واحدها به سازمان دهی حرکت‌های اعتصابی دست زند. از جمله، این اعتصابها اعتصاب کارگران واحدهای نساجی تهران، رفتگران شهرداری تهران، کارمندان دواپردولتی تهران،

کارگران نساجی و چرم سازی تبریز، کارگران نساجی مازندران و چای پاک کنی لاهیجان بود. (۲۸) مادرهمن زمان، اتحادیه، کارگران ایران بی محابا از نگرانیهای متفقین و کارزار تبلیغاتی که از سوی حزب توده و شورای مرکزی علیه آن به راه افتاده بود، هم چنان به سیاستهای پیشین خویش در قبال مطالبات کارگری ادامه میداد. از جمله حرکتهای اعتصابی که زیر رهبری این اتحادیه به راه افتاد، اعتصاب کارگران مهمات سازی سلطنت آباد در دی ماه ۱۳۲۱، و هم چنین اعتصاب کارگران نفت کرمان شاه، معدن چیان شمشک و کارگران سیمان سازی تهران بود.

salvat.com

تا پایان سال ۱۳۲۲ شورای مرکزی اتحادیه، کارگران ایران توانست به اتحادیههای زیر را برپا ساخته به زیر چتر تشکیلاتی خویش بکشاند: در تهران اتحادیههای کارگران کارخانههای دخانیات، گلیسیرین سازی، سیمان، چوب بری، پنبه پاک کنی، کارگاههای کفافی و نجاری کارمندان دارایی و داروسازان، و در شهرهای اصفهان، تبریز (اتحادیه، کارگران آذربایجان)، مشهد (اتحادیه، کارگران خراسان)، اردبیل، شیراز (جمعیت آزادگان)، یزد، بندر شاه، بهشهر رشت (اتحادیه، کارگران گیلان) نیز شعبههای خود را ایجاد کرده بود (۵۰). در این زمان، شورای مرکزی اتحادیههای کارگری ایران مدعی بود که توانسته است ۱۰/۰۰۰ کارگزار مجموع ۶۰۰-۵۰۰ هزار تن شماره، کارگران ایران را در صفوف خویش متشکل کند (۵۱). هم گام با این و بطوری تدریجی درهای دیگری نیز از قلمرو سیاست راهبروی خود گشود، از جمله شرکت فعال در جریان انتخابات مجلس چهاردهم بود که دوتن از اعضای ۱۴ نفری شورای رهبری خود، ۱۰ بر ا هیم محضری و حسین جهانی را مستقل از کاندیداهای حزب توده معرفی کرد.

دیگر اتحادیههای رقیب، یعنی اتحادیه، کارگران ایران نیز در طول این زمان توانست بجز تهران، در شهرهای آبادان و شوش و مسجد سلیمان و اهواز و سمنان (اتحادیه کارگران و بافندگان) شاخههای ولایتی خود را برپا کند. نگاهی به شهرهای یاد شده که تماما "به جز تهران و سمنان، کمر بخش مرکزی و "منطقه، بیطرف" بودند (در جنوب کشور و منطقه، نفوذ و حضور نیروی نظامی بریتانیا واقع شده بودند، نشان گرو وجود تسهیلاتی است که در منطقه وجود نداشت که این جریان، برای سازمان دهی سندیکایی، بدان نیاز داشت.

همان گونه که در پیش آمد، تلاش پیشین آن برای سازمان دهی در شمال " (آذربایجان) که یله منطقه، تحت نفوذ نیروهای شوروی بود با مخالفت جدی مقامات شوروی و بانا کامی روبرو شد مشکلاتی از این دست و افزایش نفوذ فزاینده، شورای مرکزی اتحادیههای کارگران ایران کمر پیوند تنگاتنگ با حزب توده قرار داشت و از امکانات گسترده ای بهره میبرد، سر آخربان شعبایی در اتحادیه، کارگران ایران انجامید.

در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۳، به دنبال تشکیل جلسه ای از رهبران بالای جنبش سندیکای ایران، در تهران اعلامیه ای منتشر شد که تولد سازمان جدید سندیکایی را اعلام میکرد. در پای آن اعلامیه، امضای چهار جریان کارگری به چشم میخورد. به جز شورای مرکزی اتحادیههای کارگری ایران که مهمترین آنها بود، سه جریان دیگر عبارت بودند از: "اتحادیه، کارگران ایران (گروه منشعب به رهبری علی امید و خلیل انقلاب آذر)، کانون کارگران راه آهن (به رهبری رضا ابراهیم زاده، که عمدتاً در آذربایجان نفوذ داشت) و اتحادیه، زحمت کشان (که قلمرو فعالیتش بیشتر در غرب کشور، کرمان شاه بود) سازمان جدید نام "شورای متحده مرکزی کارگران و زحمت کشان ایران" نام داشت. و روزنامه "ظفر" را به عنوان ارگان اصلی خویش منتشر کرد. (بارها در جریان توقیف "ظفر" روزنامه، دیگری به نام "بشر" منتشر میشد).

عبدالصمد کامبخش از رهبران حزب توده، ایران بعد از برداشت حزبی خود را از تشکیل این شورای متحده چنین ارائه داد: "پس از شهریور ۱۳۲۰ علاوه بر اتحادیه، کارگران، یوسف افتخاری" که منظور اصلی آن ایجاد تفزقه در صفوف طبقه، کارگران ایران بود، دو اتحادیه، دیگر نیز به وجود آمدند که "در خطوط اصلی با اتحادیه، زیر رهبری حزب توده، ایران هم کاری داشتند" "پس از آن که این دو اتحادیه نیز رضایت خود را برای ایجاد سازمان واحد صنفی طبقه کارگران ایران اعلام داشتند، با وجود مقاومت شدید "یوسف افتخاری" و کسانش، با لاجرم سازمان واحد زیر عنوان شورای متحده، مرکزی کارگران و زحمت کشان ایران به وجود آمد" (۵۲).

یوسف افتخاری و یارانش کمبرای سالها تلاش میکردند تا با برپایی حرکت مستقل کارگری مانعی در راه گرایش کهنه اما جان سخت سیاسی کردن محض سازمانهای صنفی کارگران، و ادغامشان با سازمانهای سیاسی ایجاد کنند، از این زمان خود به عنوان چار تسلیم این گرایش شده با این اختلاف که اینان متحد خود را، که شاید تنها بدیل ممکن برای انتخابشان بود، در احزاب دولتی که به تدریج در جریان سازمان دهی شکل های کارگری خود پیوندند، یافتند. زخم اختلافی که سالها پیش از آن بین سازمان دهان واقعی جنبش سندیکایی ایران در زندان بسته شده بود، این چنین بود که چه چرک نشست، خلیل ملکی از رهبران جنبش سوسیالیستی ایران بر این باور بود که "رانده شدن مغرانه، گروه یوسف از نهضت توده ای ایران و محروم داشتن این نهضت، از شخصیت این گونه رهبران برجسته، کارگری بی شک ضایعه بزرگی برای نهضت بود" (۵۳).

salvat.com

اعتلای جنبش مطالباتی کارگران ۱۳۲۳-۲۵

حضور نیروهای متفکین در ایران و به کارگیری تمامی توان نیروی مولد کشور در جهت حمایت از جنبه، شرقی در طول جنگ، بخشهای تولید و خدمات، شماره کارگران را به رقمی برابر با ۶۰۰/۰۰۰ تن رسانده بود (۵۴). به کارگیری تمامی نیروی ممکن، کار از سوی متفکین، مساله کمیوند نیروی کار را به طور جدی در جامعه مطرح میکرد، این امر خود سبب شد تا توان کارگران، برای کسب مطالعات خود افزایش یابد. از سوی دیگر شاخص هزینه، زندگی نیز در سال ۱۳۲۳، در قیاس با سال ۱۳۲۰، ۴/۲ برابر افزایش یافته بود (۵۵). شورای متحده، مرکزی کارگران و زحمت کشان ایران که در مقیاس ملی با حذف تقریبی اتحادیه های رقیب و نیز حمایت نزدیک و تنگاتنگ حزب توده ایران و در مقیاس جهانی با پیروزیهای متفکین در جنبه، شرقی جنگ و کاهش نقش استراتژیک ارائه، تولید و خدمات از سوی ایران و در نتیجه افت ضرورت جلوگیری از حرکت های مطالباتی، اعتصابی کارگران روبه رو بود، به شکل گسترده ای به سازمان دهی سندیکایی و رهبری اعتصابی کارگری دست زد. این امر شامل تمامی قلمروهای تولید و نیز خدمات، به جز صنعت نفت، میشد. تنهائس از تسلیم زاین در مرداد ۱۳۲۴ بود که مورد خواست کارگران صنعت نفت در دستور کار شورای مرکزی متحده، کارگران و زحمت کشان ایران قرار گرفت.

شورای متحده، مرکزی که در مقطع وحدت (اردیبهشت ماه ۱۳۲۳)، ۵۰/۰۰۰ (۵۶) کارگر را در صفوف خود جای داده بود، تا پایان سال ۱۳۲۳ توانست تعداد اعضای خود را به ۱۰۰/۰۰۰ تن افزایش دهد. با گسترش فزاینده شورای متحده، مرکزی، در طول ۱۳۲۴ بر تعداد اتحادیه های متشکل و اعضای آنها به شدت افزوده شد.

جدول شماره ۴

اسامی اتحادیه های عضو شورای متحده، مرکزی کارگران و زحمت کشان ایران و تعداد تقریبی اعضای هر کدام به سال ۱۳۲۴ (۵۷)

| اسامی اتحادیه‌ها | شماره تقریبی اعضا | ملاحظات |
|--------------------------------------|-------------------|--|
| ۱- کارگران راه آهن | ۲۰/۰۰۰ | |
| ۲- کارگران مهمات سازی | ۶/۰۰۰ | در پایان جنگ شماره رسید کارگران به ۳/۰۰۰ تن |
| ۳- کارگران ساختمانی | ۴۵/۰۰۰ | از این شماره ۱۲/۰۰۰ تن عضو شاخه تهران بودند |
| ۴- معدن چیان | ۸/۰۰۰ | |
| ۵- کارگران دخانیات | ۲/۲۰۰ | |
| ۶- کارگران صنایع اغذیه و نوشابه سازی | ۹/۰۰۰ | |
| ۷- کارگران صنایع ریسندگی و بافندگی | ۴۰/۰۰۰ | |
| ۸- کارگران فرش باف | ۲۰/۰۰۰ | واحدهای پراکنده خانگی |
| ۹- کارگران نقاشی | ۲/۰۰۰ | |
| ۱۰- کارگران برق کار | ۶۰۰ | |
| ۱۱- رانندگان وسائط نقلیه | ۶/۰۰۰ | مالک وسائط نقلیه |
| ۱۲- رانندگان وسائط نقلیه | ۳/۰۰۰ | غیر مالک وسائط نقلیه |
| ۱۳- کارگران شیشه سازی | ۲/۰۰۰ | |
| ۱۴- کارگران قند سازی | ۳/۰۰۰ | |
| ۱۵- کارگران آردسازی و انبارغله | ۳/۵۰۰ | |
| ۱۶- کارگران سیمان سازی | ۲/۰۰۰ | |
| ۱۷- کارگران صنایع شیمیایی | ۲/۳۰۰ | |
| ۱۸- کارگران کشتارگه | ۳/۰۰۰ | |
| ۱۹- موسسات آموزشی | ۳/۰۰۰ | معلوم نیست که این رقم شامل معلمین نیز بوده است یا نه |
| ۲۰- کارگران شهرداری | ۱/۵۰۰ | |
| ۲۱- کارگران حمام های عمومی | ۱/۵۰۰ | |
| ۲۲- کارگران بیمارستان ها | ۲/۷۰۰ | |
| ۲۳- کارگران ابریشم بافی | ۲/۷۰۰ | |
| ۲۴- کارگران بندر | ۱۱/۰۰۰ | |
| ۲۵- پیشه وران از جمله کفاشان | ۹/۰۰۰ | |
| ۲۶- کارگران پنبه پاک کنی | ۲/۰۰۰ | |
| ۲۷- روزنامه فروش ها | ۱۵۰ | |
| ۲۸- ماهی گیران | ۵/۰۰۰ | |
| ۲۹- کارگران نوشابه سازی الکلی | ۳/۰۰۰ | |
| ۳۰- کارگران وزارت جنگ | ۱/۵۰۰ | |
| ۳۱- کارگران کشاورزی | ۸/۰۰۰ | این رقم تنها کوکاران را نیز در بر می گیرد |

اگر به تعداد کل آمده در جدول، تعداد کارگران صنعت نفت عضو شورای متحده، مرکزی را که برابر ۴۵/۰۰۰ تن بود بیفزاییم، شمارهٔ مجموع کارگران عضو شورای متحده، مرکزی به رقمی برابر با ۲۲۴/۰۰۰ تن بالغ خواهد شد. به بیانی دیگر در مقطع ۱۳۲۴، شورای متحده، مرکزی، توانست به قریب به ۵۰٪ کارگران ایران را در چارچوب اتحادیه‌های وابسته به خود متشکل نماید. در این زمان رده بندی ساختار تشکیلاتی شورای متحده، مرکزی از این قرار بود:

(۱) - واحد شهری، (۲) - واحدهایالتی، (۳) - شورای عالی ۴۵ نفری که در کنگره‌های سالانه برگزیده میشد، (۴) - هیات اجرایی ۱۵ نفری منتخب شورای عالی، (۵) - سپس سه دبیری که این هیات اجرائی بر میگزید، (۶) - اینان نیز از میان خود، یک تن را با عنوان دبیرکل انتخاب کرده و بر میگزیدند. پیش از انحلال شورای متحده، مرکزی، سبب دبیرکلی با رضارتابود، و دو دبیر دیگر عبارت بودند از حسین جودت و محمود بقراطی. پیشینهٔ سیاسی دونفر نخست را از این پیش آوریم. محمود بقراطی از "۵۳ نفر"، پیش از دستگیری مدیر مدرسه بود. او پس از شهریور ماه ۱۳۲۰ به حزب توده، ایران پیوست و در جریان کنگرهٔ اول حزب (۱۳۲۲) به عضویت در کمیته مرکزی حزب درآمد. هم‌گام با این سه تن، آرداشس آوانسیان هم چنان مسئولیت آیدئولوژیک و ایرج اسکندری - دبیرکل حزب توده - مسئولیت مشاور سیاسی شورای متحده، مرکزی را تا آذر ۱۳۲۵ به عهده داشتند (۵۸). در این مقطع شورای متحده، مرکزی صاحب ۶۲ باشگاه کارگری در سراسر ایران بود که از این تعداد ۱۶ باشگاه در تهران قرار داشت. حق عضویت اعضا ۱٪ از درآمد ماهانه را تشکیل میداد که نصف آن به صندوق مرکزی و نصف دیگر به صندوق محلی و از بقیه میشد. با افزایش شاخص هزینه زندگی و تشدید حرکت‌های اعتراضی - مطالباتی که عمدتاً حول خواست افزایش دست مزد دور میزد، شورای متحده، مرکزی دورهٔ نوینی از رهبری حرکت‌های اعتصابی را آغاز کرد. در طول سال ۱۳۲۳، بیش از چهل اعتصاب عمده تحت رهبری شورای متحده، مرکزی انجام گرفت. از جمله این اعتصابات عبارت بودند از اعتصاب کارگران نساجی در اصفهان، تهران، مشهد، یزد، چالوس، سمنان، بهشهر و اهواز، کارگران بندر در بندر شاهپور، کارگران کارگاه‌های کفاشی، نجاری، نانوایی، رفتگران شهرداری، کارگران سیلو و نوشابه سازی در تهران و کارگران شانزده واحد صنعتی از هژده واحد موجود در تبریز.

سال ۱۳۲۴ نیز با همین شماره از اعتصاب‌ها به پایان رسید. عمده‌ترین این اعتصابات عبارت بودند از: اعتصاب کارگران نساجی در یزد، مشهد، اهواز، چالوس و سمنان، رفتگران شهرداری کرمان، فرش بافان مشهد، کارگران نخ‌ریسی اصفهان، اعتصابات عمومی در تهران، تبریز و مشهد، اعتصاب کارگران تصفیه‌خانه نفت کرمان شاه و پالایشگاه آبادان (۵۹). روزنامه "رهبر" ارگان حزب توده، خبر اعتصاب کارگران نفت پالایشگاه آبادان را تحت عنوان یک "موفقیت بزرگ" چنین گزارش کرد: "قریب ۱۵۰ نفر از کارگران متشکل قسمت نام برده بعد از تقاضای کتبی قبلی که بدون ترتیب اثر مانده بود، جمعا "به اعتصاب متوسل شدند. مزد کارگران از بیست و چهار ریال به سی و پنج ریال و از سی و پنج ریال به سی و هشت ریال با لاف‌ها و تاثیر مستقیم این عمل در سایر قسمت‌های پالایشگاه آنها"

مشهودگشت به نحوی که در حدود ۵/۰۰۰ کارگردارترین جنبش ذی نفع واقع شدند" (۶۰).
 اوج حرکت سازمان گرایانه، شورای متحده، مرکزی، امامدرمیان، سال ۱۳۲۵ بود، دو سال
 رهبری تقریباً "موفق حرکتهای اعتصابی و حذف تقریبی سندیگاهای رقیب از یک سو، و از دیگر
 سو اوج اعتلای جنبش چپی که با حزب توده، ایران تعیین یافت، بود و شورای متحده، مرکزی، از
 حمایت گسترده و تنگاتنگش برخوردار بود، شورای متحده، مرکزی رابه جایگاهی رسانده که در
 تجربه، جنبش سندیگایی خاورمیانه بسیار نامدرمینمود، بازتاب اعتلای جنبش چپ را، در
 شرکت اعضای رهبری حزب توده - ایرج اسکندری، فریدون کشاورز ویزدی - در کابینه،
 ائتلافی قوام در اول مردادماه ۱۳۲۵ و امضای قرارداد ۱۵ ماده‌ای بین دولت مرکزی و رهبران
 فرقه دمکرات آذربایجان در مرداد همان سال - که براساس آن بسیاری از خواستهای فرقه،
 دمکرات پذیرفته شد - می توان سراغ گرفت.

salvat.com

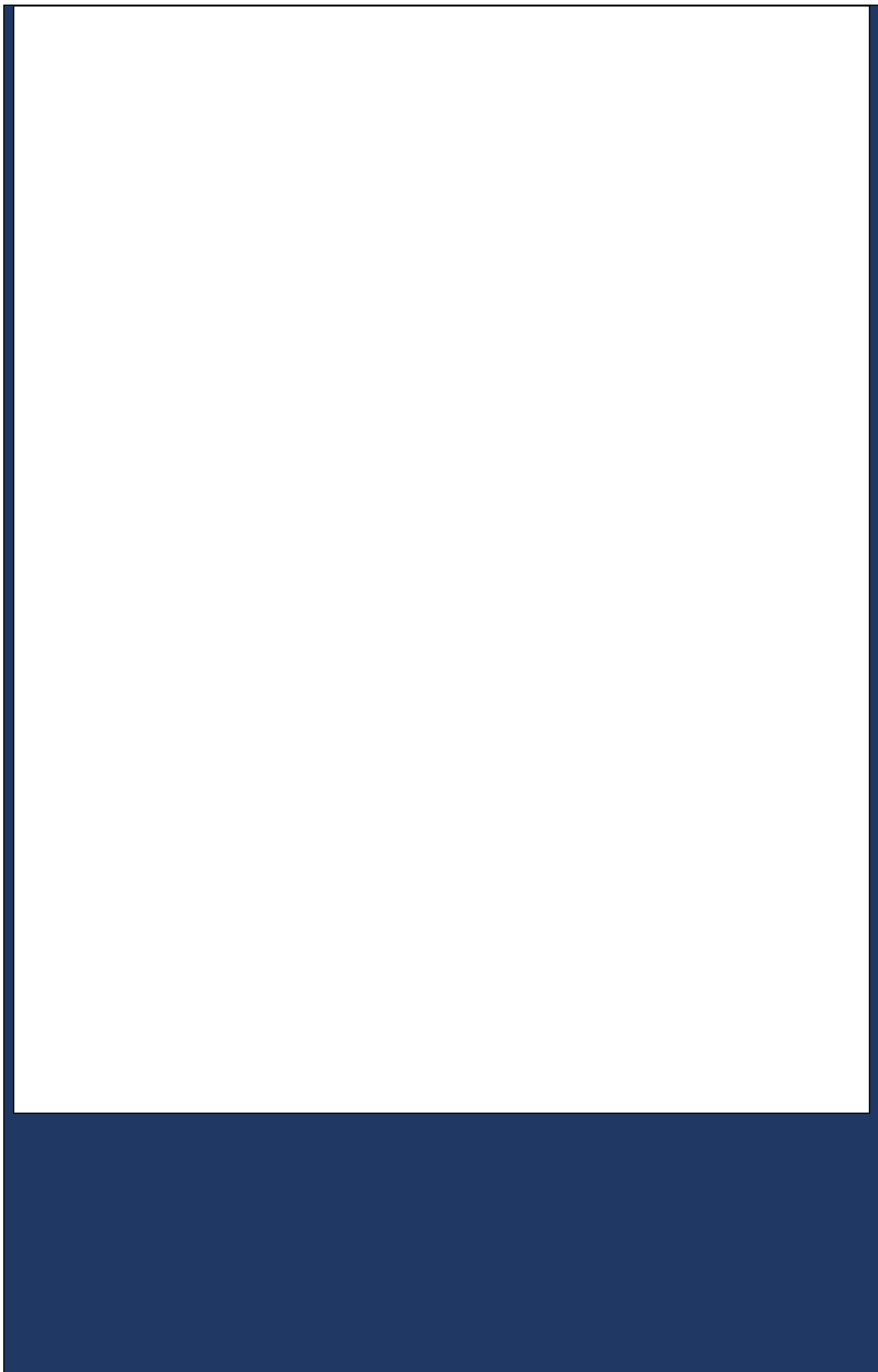
شورای متحده، مرکزی کارگران و زحمت کشان ایران در این اوج اعتلا توانست ۱۱۸۶ اتحادیه
 با مجموع ۳۳۵/۰۰۰ تن رابه زیر پرچم خود درآورد، توزیع جغرافیایی اعضا، از این قرار بود:
 ۹۰/۰۰۰ تن در خوزستان، ۵۰/۰۰۰ تن در تهران، ۵۰/۰۰۰ تن در آذربایجان، ۴۵/۰۰۰ نفر
 در گیلان و مازندران، ۴۰/۰۰۰ تن در اصفهان، ۲۵/۰۰۰ تن در فارس، ۲۰/۰۰۰ تن در خراسان
 و ۱۵/۰۰۰ تن در کرمان (۶۱). با چنین تعدادی از اعضا، شورای متحده، مرکزی توانست همگام
 با حزب توده، تظاهرات کارگری ۷۰۰/۰۰۰ نفری را که عظیم ترین حرکت کارگری تا آن زمان
 محسوب میشد، در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ برگزار کند (۶۲).

در طول نخستین نه ماه ۱۳۲۵ (یعنی تا لشکرکشی نیروهای دولت مرکزی به آذربایجان، و
 شکست فرقه، دمکرات، که نقطه، عطفی در حیات سیاسی کشور به شمار می آمد) شورای متحده
 مرکزی توانست در مجموع ۱۶۰ اعتصاب موفق را رهبری کند.

از جمله، این اعتصابها عبارت بودند از: اعتصاب کارگران نساجی شهرهای رشت، بوشهر،
 شیراز، بندرعباس و کاشان، کارگران بنادر بوشهر، بندر شاپور و بندرعباس، معدنچیان شمشک
 کارگران راه آهن قزوین، کارگران چاپ خانهها، راه آهن، نوشابه سازی، دخانیات، و هم
 چنین رانندگان اتوبوس در تهران، و نیز اعتصاب های عمومی در اصفهان، چالوس و خوزستان.
 (۶۳)

در اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ کارگران نفت در آنجا جاری با تقاضای افزایش دست مزد، همراه با
 تامین شرایط ایمنی در محیط کار، اعتصاب ۱۴ روزه‌ای را با موفقیت به پایان بردند، دو ماه بعد
 در تیرماه همان سال بزرگترین اعتصاب کارگری در مناطق نفت خیز خوزستان برپا شد، این بار،
 این اعتصاب خیلی زود منجر به اعتصابی عمومی در منطقه شد و تمامی بخشهای تولید و خدمات
 را از کار انداخت، به سبب مواضع آشتی ناپذیری کمخست از سوی مدیران "شرکت نفت ایران و
 انگلیس" اتخاذ شد، با ۴۷ کشته و ۱۷۰ زخمی پایان یافت، کارگران در این اعتصاب، علاوه بر
 خواستهای اقتصادی و از جمله افزایش دست مزد و پرداخت مزد و تعطیل آخر هفته، خواستهای
 سیاسی نیز مطرح کردند که از جمله عزل استان دارخوزستان و انحلال دستگاه سیاسی شرکت نفت
 بود، ابعاد اعتصاب به حدی بود که دولت قوام از رهبری حزب توده برای فرونشاندن آن درخواست
 کمک نمود، سر آخر، با سفر هیأتی از حزب توده و شورای متحده، مرکزی به خوزستان، و با عقب
 نشینی محدود شرکت نفت، اعتصاب پایان یافت.

اعتصاب عمومی یادشده در خوزستان که به واقع نشانگر اوج حرکت سازمان گرایانه‌ای بود
 که در طول شش سال، شورای متحده، مرکزی و اتحادیه‌های سلفش پیش برده بودند، هم زمان، سر



جوان"، "اتحادیه کارگران و دهقانان ایران"، "اتحادیه کارگران و دهقانان و پیشه وران اصفهان" (دردی ماه ۱۳۲۴ در اصفهان تشکیل شد)، از آن جمله بودند. اعضای اتحادیه اصفهان به همراهی قریب ۱۰۰۰ نفر از هروان راه سیدضیا طباطبایی در فروردین ۱۳۲۴ با طرح شعارهای تندمذهبی کارزار گسترده‌ای را علیه اتحادیه کارگران اصفهان و وابسته شورای متحده مرکزی، آغاز کردند که تخریب و اشغال دفتر آن انجامید.

هم گام با حرکتیایی از این قبیل این اتحادیه‌ها تلاش میکردند تا با انتخاب عناوین غیر واقع - که هراز چندیگاهی نیز تغییر میکرد - منظری را که غرب از جنبش کارگری ایران داشت دگرگون کنند. به عنوان نمونه به نام‌های که "اتحادیه کارگران و دهقانان ایران" به تاریخ آذرماه ۱۳۲۳ به فدراسیون کارگری آمریکا روانه کرد، میتوان اشاره نمود. در این نامه اتحادیه فوق الذکر خود را تنها نماینده راستین کارگری ایران خواند (۶۷).

تلاشهایی از این دست نتوانست در تداوم خود جنبش کارگری ایران راه گونه‌ای چشم گیر، متاثر کند. تنها با بقدرت رسیدن احمد قوام به نخست وزیری در بهمن ماه ۱۳۲۴ بود که برای تحدید عمل کرد شورای متحده، مرکزی و هم زمان سازمان دهی سندیکایی کارگران قدمهای جدی برداشته شد.

احمد قوام برای دست یابی به این هدفها به تلاش در سه قلمرو گونه گون دست زد: نخست، با تصویب قوانین جدید و پیشرفته، کارگری در اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ به بسیاری از خواستهایی که شورای متحده، مرکزی برای مدت‌ها نتوانست مورد کارگران را حول آن متشکل نماید - دست کم بر روی کاغذ - پاسخی مثبت داد. چنین اقدامی ضمن عقب نشینی در برابر شورای متحده مرکزی نوعی تلاش برای خلع سلاح آن نیز به شمار میرفت. قوانین جدید عبارت بودند از ممنوعیت اشتغال کودکان، هشت ساعت کار روزانه، پرداخت دست مزد روز تعطیل آخر هفته، برخورداری از شش روز تعطیل در سال با دست مزد، حق اعتصاب، سه رسمیت شناختن تعطیلی اول ماه مه با استفاده از دست مزد، و توازن مزدها بهای نیازمندیهای اولیه.

دوم کوشش برای بی اعتبار کردن شورای متحده، مرکزی و نهایتاً "از میان برداشتن آن" در این باره میتوان از تلاش برای ایجاد شکاف در شورای متحده، مرکزی نام برد. از جمله در بهمن ۱۳۲۵ گروهی که خود را عضو شورای متحده، مرکزی میخواندند، به زور دفتر شورای متحده را در اشغال خویش درآوردند و عدم رضایت خود را از رهبری روستا و دیگران با انتخاب هیات اجرائیه جدید اعلام نمودند. طرفه این که در هیات اجرائیه جدید نام دوتن از رهبران سرشناس شورای متحده، مرکزی به چشم میخورد: حسین جویت و تقی فداکار. هرچند که هر دو اینان بلافاصله وفاداری خود را به روستا اعلام کردند، اما گروه یاد شده هم چنان بر جدایی این دو از روستا، پای میفشرد. روزنامه مردم ارگان حزب توده، ایران که به سبب توقیف ظفر (ارگان شورای متحده مرکزی) بیانییه های شورای متحده، مرکزی را منتشر میکرد، گروه یاد شده را عوامل حزب قوام: "حزب دمکرات ایران" خواند. به باور نمایندگان دولت بریتانیا در تهران "هرچند که مقامات دولتی داشتن هرگونه نقشی را در این ماجرا انکار میکنند، اما این گمان هنوز به جای خود باقی است که شورشیان به تحریک دولت دست به این کارها زده باشند" (۶۸).

گام بعدی قوام در این راستا تحت پیگرد قرار دادن رهبران شورای متحده، مرکزی به بهانه داشتن پیوند و نیز حمایت از جنبش خودمختاری خواهانه، آذربایجان بود. با توقیف روزنامه ظفر، تمامی رهبران بالای شورای مرکزی متحده، به دستور دولت بازداشت شدند و تمامی مال و دارایی شورابه تصرف نیروهای دولتی درآمد. هم زمان مدهاتن از کادرهای شورای متحده از

سوی مقامات حکومت نظامی دستگیرریمه نقاط مختلف رهور دست تبعید شدند و باشگاه های شورای متحده، مرکزی در سراسر کشور به اشغال نیروهای نظامی در آمد (۶۹). در این زمان بجز تهران که از شهریور ۱۳۲۰ تحت حکومت نظامی قرار داشت، در ایالات خوزستان - بهمنیال اعتصاب کارگری نفت در ۱۳۲۵ - املهان و سازندران از آذرماه ۱۳۲۵ و آذربایجان - بهمنیال شکست فرقه دمکرات آذربایجان - نیز منبروات حکومت نظامی برقرار بود) - اشغال باشگاهها - متعلق به شورای متحده - مرکزی - در آبادان که تعدادشان به ۲۲ میرسید، به درگیری مسلح نیروهای نظامی با کارگران منجر شد که در جریان آن یک کارگر کشته شد، در پی این درگیری، در آبادان ۵۰۰۰ کارگر اعتصاب ۲۴ ساعته ای را به عنوان اعتراض به عمل کرد دولت برپا کردند اما نیروهای نظامی هم چنان به بازداشت کارگران ادامه دادند و پاره ای از کارخانه ها و نیز کارگاهها را به اشغال خویش در آوردند (۷۰).

سومین وظیفه ای که قوام در برابر خویش نهاد، تلاش برای برپایی اتحادیه، کارگری وابسته به حزب دمکرات بود. این تلاش در آذر شهریور ماه ۱۳۲۵ به ثمر نشست و "اتحادیه سندیکاها کارگران، دهقانان و پیشه وران ایران" با حمایت نوینیا دوزارت کار اعلام موجودیت کرد. در رهبری این سندیکا، به جز یوسف افتخاری دیگرانی قرار داشتند که هیچ روی پیشینه ای در زمینه، جنبش کارگری و سازمان دهی سندیکایی آن نداشتند. از جمله اینان عباس شاهنده، کارمند دولت و از رهبران حزب دمکرات، خسرو هدایت مهندس راه و ساختمان و مدیر کل راه - آهن ایران و عضو کمیته، مرکزی حزب دمکرات ایران، شریف امامی و دکتر افراشته که هر دو از مدیران وزارت کار و دیگر رهبران حزب دمکرات، و آشتیانی زاده بود. عمده سیاسی که این سندیکا برای جلب کارگران در پیش گرفت سیاست تهدید و تطمیع بود (۷۱). ابزار پیش برد این سیاست از سوی حزب دمکرات ایران ساختار دولتی بود که عمدتاً "در دست قوام و حزبش قرار داشت. در این میان نقش آرامش وزیر کار و رهبر سازمان جوانان حزب دمکرات، موسوی زاده، و زبرداد گستری و دبیر کل حزب و هادی قوام از اقوام نزدیک نخست وزیر مدیر شرکت دخانیات در ایران چشم گیر بود.

اما با تمامی این تلاشها، اتحادیه، سندیکاها نتوانست در تداوم حیات خود، جدا از نقشی تخریبی که بر عهده داشت به جریانی عمده در جنبش کارگری ایران تبدیل شود. در پایان این مبحث نگاهی کوتاه نیز به تلاشهای جریانات سندیکایی رقیب برای کسب یک هویت بین المللی می اندازیم.

نخستین گام در این جهت با پایان جنگ جهانی و تشکیل بیست و هفتمین اجلاس "کنفرانس بین المللی کار" در مهر - آبان ۱۳۲۴ در پاریس برداشته شده، در جریان این کنفرانس که شورای متحده، مرکزی با عنوان مشاوره ایات نمایندگی ایران شرکت کرده بود، کوششهای بسیاری نیز از جانب شورای متحده، مرکزی و هم هیات اصلی نمایندگی برای کسب حمایت جهانی به عمل آمد. هیات اصلی نمایندگی مرکب از سه تشکل بود: "شورای مرکزی کارگران و پرزگران ایران" (به رهبری یوسف افتخاری) با ادعای داشتن ۱۵۳/۰۰۰ عضو، "اتحادیه کارگران و دهقانان" با ادعای داشتن ۱۰/۰۰۰ عضو و سرآخر "اتحادیه کارگران و پیشه وران ایران" مدعی داشتن سی و پنج هزار تن عضو (۷۲).

تلاش شورای متحده، مرکزی برای شناسایی بین المللی سرانجام با عضویت آن در فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (ف.ج.ا.ک) در مرداد ۱۳۲۵ تحقق یافت. در جریان این تلاش (ف.ج.ا.ک) ملزم شد تا نماینده ای برای بررسی جنبش سندیکایی به ایران روانه کند. سفر لویی سایان

دیسور کلر فوج، ۱۰ ک در مردادماه ۱۳۲۵ به ایران در زمانی که شورای متحده، مرکزی در اوج اعتلا و بالا بودن رهبری حرکت‌های مطالباتی - اعتراضی قرار داشت در تصمیم فوج ۱۰ ک دال بر پذیرش شورای متحده، مرکزی به مثابه تنه‌انماینده، برحق کارگران ایران و رزاق‌روستا به عضویت در شورای فوج ۱۰ ک موثر افتاد.

بعدهای یعنی به سال ۱۳۲۸ رهبران سه تشکل نام برده که اینک در پیوند با اتحادیه‌سندیکاهای کارگری قرار داشتند (شامل سندیکاهای کارگران و دهقانان و پیشه‌وران ایران) سرخورده از تلاش‌ها و کوشش‌های ناموفقشان برای عضویت در فوج ۱۰ ک به‌دیگر جریان کارگری بین‌المللی که تازه برپا شده بود پیوستند، یعنی به "کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های آزادکارگری".

www.xalvat.com

پایان سخن

هنگامی که کنگره، چهارم پروفینترن به سال ۱۳۰۷ بر سیاست نادرست رهبران سندیکاهای ایران در "سیاسی کردن افراطی سندیکاهای" تاکید می‌کرد و هنگامی که سیفی نماینده، ایران در همان کنگره - که بعدها محکوم تصفیه‌های خون‌بار استالین شد - از "نبودن برنامه مدرن"، به مثابه مانعی در جنبش سندیکایی ایران (۷۳) نام برده و چکس نمیدانست که دایره، بسته، باز تولید تجربه‌های تلخ و یک دست در جنبش کارگری ایران شغاعی این چنین کوتاه داشته باشد. تجربه، دوم جنبش سندیکایی ایران هر چند به خاطر فرآیند تکاملی که جامعه در فاصله، دو تجربه پیموده بود، ویژگی‌های خاص خود را داشت اما عمده، دلایل افت و شکستش همانی بود که تجربه، اول رابه شکست کشانده بود.

آرداشس آوانسیان از رهبران حزب توده - شورای متحده، مرکزی - سالها بعد در تحلیلی که از جنبش کارگری ایران ارائه داد، ویژگی جنبش سندیکایی ایران را چنین بر شمرد:

"در عمل اتحادیه‌های ایران عاری از شیوه‌ها و سنن تردیونیونیسم مرسوم در اروپای باختری بوده‌اند. به‌دیگر سخن، حزب کمونیست از نهضت اتحادیه‌ای به وجود نیامد، بلکه حزب است که پایه، اتحادیه‌ها را گذاشته است. از این رو اتحادیه، کارگری ایران روح و سنت انقلابی، داشته است (۷۴)."

در این که حزب کمونیست ایران از نهضت اتحادیه‌ای به وجود نیامد جای تردید نیست، اما این که پایه‌ریزی اتحادیه‌ها توسط حزب و نه تنها این بل ارائه، نهاد تقریباً واحد "حزب سندیکا موجد" روح و سنت انقلابی "در اتحادیه‌های کارگری بوده، را نمیتوان درست پنداشت. به واقع، دو تجربه، جنبش سندیکایی در ایران بیانگر سرنوشت محتوم و تلخی است که پیام‌پذیرش این "نهاد واحد" بوده است. این نیست جز تقلیل دادن نقش خودآگاهی طبقاتی.

در پی پروایی استبداد و خودکامگی در تخریب مرزهای جامعه، مدنی و دولت و نادیده گرفتن مرزهایی که نهادها و گوناگون را از یک دیگر تفکیک میکند، جای تردید نیست. به بیانی، چنین باور بی پایه‌ای نمیتواند مطرح باشد که اگر سازمان صنفی به روشنی با سازمان سیاسی مرزبندی کرد، از یورش و سرکوب مصون میماند. آنچه بیشتر مطرح است تداوم حرکت صنفی است، جدا از افت و خیزهای اجتناب‌ناپذیر حرکت سیاسی. دومین تجربه، جنبش سندیکایی ایران مؤید این امر است.

نبودن برنامه، روشن و مدرن در سازمان دهی سندیکایی و رهبری مبارزات مطالباتی - اعتراضی نیز در طول دومین تجربه، به گونه، روشنی خود را در اعتصاب کارگران صنایع نفت در تیرماه سال ۱۳۲۵ نشان داد. شورای متحده، مرکزی از یک سو به فراخوانی اعتصابی اقتصادی سیاسی دست

۳۰- ناصر باکدامن، آمارنامه اقتصاد ایران در آغاز جنگ جهانی دوم، جلد اول، از انتشارات دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۵۵، ۳۱- ایران در کنگره چهارم بین الملل
Persian protocol uber 4, Kongress der Gewerkschafts.
International, Moscou. 17 Maarz -3 April 1928

xalvat.com

32- Foreign relations of the united states ,Ambassador to the state departements. 26 june 1945.

۳۳- انورخامه‌ای فرصت بزرگ از دست رفته، انتشارات هفته، تهران ۱۳۶۳، ۳۴- انورخامه‌ای، پنجاه نفرو سمنفر، انتشارات هفته تهران ۱۳۶۲، ۳۵- نصرت الله جهانشاهلوانشار، ما و بیگانگان، ۳۶- انورخامه‌ای پنجاه.....

37- Abrahamian.E.Iran between two revelutions, Princeton University Press. 1982 .38- Abrahamian.Op.cit

۳۹- نامه مردم، شماره ۲، تهران ۱۳۲۵.
40 et 41 -Abrahamian.op.cit.

۴۲- کامبخش، تشکیل حزب توده ایران، نیادوره دوم شماره ۳، ۱۳۴۵، ۴۳- اسنادوزارت خارجه بریتانیا Labour and trade union movement in Persia
۴۴- اسنادوزارت سهام ماخذ.
۴۵- اسنادوزارت.....:

The visit of soviet trade union delegation to Persia.
from Moskow to forien office.F.O.371/45450

۴۶- Op.cit. ۴۷- اسنادوزارت.....:

The tudeh party and iranian trade unions, F.O.371/61993

48-Iran-Report of activity of the world federation of trade union congress, Milan 29 julay 10 1949?

49-labour and

۵۰- اسنادوزارت..... ماخذ بالا ۵۱- ظفر، شماره ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۲۵، ۵۲- کامبخش:

از نخستین کنفرانس ایالتی تهران تا نخستین کنگره حزب نیادوره دوم شماره ۵، ۱۳۴۷.

۵۳- خلیل ملکی، خاطرات سیاسی، انتشارات رواق، تهران ۱۳۵۷، ۵۴- اسنادوزارت خارجه،

بریتانیا، رجوع شونده ماخذ ۵۵- بولتن بانک مرکزی ایران شماره ۹، ۲۰۸، ۱۳۳۸، ۵۶-

کامبخش، از نخستین کنفرانس ایالتی ۵۷- اسنادوزارت..... رجوع شونده ماخذ شماره ۲۷

58- Sephr Sabih.The communist movment in Iran.University of California press.1966. 59- Abrahamian op.cit

۶۰- رهبر، شماره ۳، تیر ۱۳۲۴، ۶۱- رضاروستا، سخن رانی برای کارگران راه آهن، ظفر بیست و چهار مرداد ۱۳۲۵، ۶۲- سالنامه حزب توده ایران، همان ماخذ.

63-World Federation of trade unions.Report[1945-49].

۶۴- بولتن بانک مرکزی ایران همان ماخذ، ۶۵- اسنادوزارت..... F.O.371/34-35120

66- Op.cit.labour and.....67-Op.cit.

۵۹

68-Op.cit-effort to depose Reza Rusta,F.O.371/5733.

69-World Federation of trade union situation in Iran
Prague 2nd 14th 1947. 70 et 71-Idem.

72-Record of pceeding of 27th session of international labour conferance.Paris.1945.

۷۳- سخن رانی سیفی در چهارمین کنگره بین الملل سندیکاهاى سرخ همان جا .

۷۴- آرداشس آوانسیان همان جا .

xalvat.com

الفبا

به همت :
علامه حسن ساعدی

دوره ۰۰ جدید - جلد ششم
پائیز ۱۳۶۴ شمسی

حق اشتراک در فرانسه :

اشتراک دانشجویی : برای چهار شماره صد و بیست فرانک
اشتراک عادی : برای چهار شماره صد و بیجاه فرانک
اشتراک همت عالی : حداقل پانصد فرانک
به حق اشتراک مشترکان دیگر کشورها ، مبلغ زیر بابت هزینه‌های بسی افزوده می‌گردد :
کشورهای اروپای غربی : معادل بیست فرانک فرانسه
ایالات متحده آمریکا و کانادا : معادل سی فرانک فرانسه
حق اشتراک خود را به حساب زیر واربر نمائید :

xalvat.com

GH. SAEDI
00150033326
SOCIETE GENERALE
AW Porte Maillot
136, Ave.de Malakoff - 75016 PARIS

مراسلات و فتوکپی رسید بانکی را به آدرس زیر ارسال دارید :

GH. SAEDI
KETABE - ALEFBA
B.P. 215-07
75327 PARIS CEDEX 07

